



سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۲ پاییز ۱۴۰۰



www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی الزامات و راه کارهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی در شعر

اقبال لاهوری

دکتر حامد صافی^۱ دکتر محمد چکشیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

(از ص ۵۴ تا ص ۷۰)

نوع مقاله : پژوهشی



20.1001.1.27834166.1400.4.3.3.4

چکیده:

اقتصاد مقاومتی اصطلاحی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، نخستین بار، در شهریور ماه ۱۳۸۹ برای مقابله با همه‌های اقتصادی دشمنان مطرح کردند. بر اساس سخنان ایشان، اقتصاد مقاومتی بدین معناست که شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای تنظیم شود که در برابر تکانه‌های اقتصادی آسیب کمتری ببیند. اقتصاد مقاومتی ویژگی‌ها، الزامات و راه کارهای گوناگونی دارد. در پژوهش حاضر سعی شده‌است که این ویژگی‌ها و راه کارها در شعر اقبال لاهوری واکاوی شود. بر اساس این بررسی، اقبال لاهوری سه عامل را در ایجاد مشکلات اقتصادی کشورها مؤثر می‌داند: ۱- عدم خودباوری ۲- وابستگی به غرب ۳- دسیسه‌های غرب. او برای حل این مشکلات و پیروزی بر عوامل، راه حل‌هایی را پیشنهاد می‌کند؛ از جمله تلاش برای رسیدن به امت واحد اسلامی، رسیدن به خودباوری، کاهش وابستگی به غرب از طریق تکیه بر توان داخلی و مبارزه با خام‌فروشی. نظرات اقبال در این زمینه به درون‌زا و برون‌نگر بودن اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و حمایت از کالای داخلی اشاره دارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، اقبال لاهوری، شعر، کالای ملی

^۱ . استادیار دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، خرمشهر، ایران. (نویسنده مسئول) // Email: hamed19s2003@yahoo.com

^۲ . دانش‌آموخته دکترای تخصصی دانشگاه لرستان. خرم‌آباد، ایران. // Email : moch2357@gmail.com



۱- مقدمه:

از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ دشمن با کشور ایران آغاز شد؛ جنگی که یک روز در قالب تروریسم بروز پیدا کرد و روزی دیگر به شکل تهاجم لشکر بعث به مرزهای غربی آشکار شد. پس از پایان جنگ تحمیلی و دوران سازندگی، نبرد دشمن در دو سنجر فرهنگی و اقتصادی شدت گرفت. گویا آنها دریافته بودند که نبرد سخت با ایران، نتیجه دلخواهشان را به بار نخواهد آورد. بنابراین دور از ذهن نیست اگر بگوییم، کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی چهل سال است در جنگ به سر می‌برد. همان طور که جنگ نظامی قواعد ویژه خود را دارد و ایجاب می‌کند که کشور (مسئولان و مردم) رفتار خود را متناسب با شرایط جنگ تنظیم کنند، نبرد اقتصادی و فرهنگی نیز واکنش‌های متناسبی را می‌طلبد. از سال ۱۳۸۸ به بعد، نبرد اقتصادی دشمن شدت بیشتری یافت و تحریم اقتصادی مهم‌ترین سلاح آنها برای ضربه زدن به بدنه اقتصادی جامعه ایران بود. از سوی دیگر، در جبهه فرهنگی نیز، دشمن با القای فرهنگ مصرف‌گرایی سعی داشت تا متناسب با حربه‌های اقتصادی‌اش به دنبال اهداف مورد نظر باشد. در همان روزها، رهبر معظم انقلاب، راه مقابله با این شگرد دشمن را در «اقتصاد مقاومتی» یافتند و این اصطلاح را نخستین بار، در شانزدهم شهریور ماه ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح کردند: ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه‌ی این کارهایی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتوانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند (دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶).

باید توجه کرد که اقتصاد مقاومتی تفاوتی اساسی با ریاضت اقتصادی دارد. ریاضت اقتصادی سیاستی است که دولت‌ها برای جبران کسری بودجه از طریق کاهش هزینه‌ها اجرا می‌کنند. این سیاست‌ها با کاهش و حذف برخی از خدمات و مزایای عمومی و صرفه‌جویی در مخارج کشور، کاهش هزینه‌های رفاهی و تعدیل کارمندان در بخش دولتی انجام می‌شود (پرچی و جلالی، ۱۳۹۳: ۷۱). نکته قابل توجه دیگر درباره اقتصاد مقاومتی، فرازمانی و فرامکانی آن است. این نظام اقتصادی به کشور خاصی تعلق ندارد. طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب، کشورهای بسیاری برای مقاله با تکانه‌های اقتصادی، سیاست‌های مشابه را اجرا کرده‌اند:



گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - بخصوص در این سالهای اخیر - با نکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲).

از سوی دیگر، سیاست‌های اقتصاد مقاوتی تنها به زمان اعمال تحریم‌ها اختصاص ندارد: سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئتهای فکر و عمل برای مقابله‌ی با جنگ اقتصادی تشکیل میشود، این سیاستها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به هیچ وجه این جور نیست؛ این سیاستها سیاستهای بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاستهای بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته میشود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است (همان).

در پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نباید از فرهنگ غافل شد. چرا که اولاً اقتصاد مقاومتی یک الگوی بومی است که از فرهنگ اسلامی و ایرانی سرچشمه گرفته است: مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است (همان). ثانیاً بخش مهمی از الزامات، مؤلفه‌ها و راه‌کارهای اقتصاد مقاومتی جنبه‌ی کاملاً فرهنگی دارند. برای نمونه، اصلاح الگوی مصرف مسأله‌ایست که به فرهنگ جامعه برمی‌گردد: یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خوب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۶/۲).

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

یکی از راه‌های فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی، واکاوی الزامات این الگوی اقتصادی در اندیشه‌ی بزرگان است. اندیشمندان، هنرمندان و صاحب‌نظران به دلیل تأثیرگذاری بالا بر مخاطبان، قدرت اقناع بیشتری نسبت به دیگر اقشار جامعه دارند. به ویژه اگر در این مسیر از ابزار هنری مانند شعر، داستان و فیلم استفاده شود، تأثیرگذاری دوجندان خواهد شد. در این جستار به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که نظام فکری اقبال چه ارتباطی با الزامات و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی دارد؟



۱-۲- ضرورت پژوهش

محمد اقبال لاهوری یکی از شاعرانی است که می‌توان شعر او را بستری فراهم برای تأثیرگذاری بر مخاطب دانست. به نظر می‌رسد آن چه برای او در سرودن شعر اهمیت داشته، بیان نظرات و اندیشه‌هایش در قالب هنری بوده است. به بیانی دیگر، اندیشه برای او اولویت اساسی بوده و عواملی چون عاطفه و خیال را در خدمت اندیشه به کار گرفته است. به نظر می‌رسد این ویژگی شعر اقبال، ضرورت پژوهش پیرامون اندیشگی شعر او را بیش از جنبه‌های هنری‌اش آشکار کرده است. بنابراین در پژوهش حاضر، شعر اقبال از این منظر و در ارتباط با الزامات و مؤلفه‌های فرهنگی اقتصاد مقاومتی بررسی خواهد شد.

۱-۳- روش تحقیق

در این پژوهش، پس از برشمردن الزامات، مؤلفه‌ها و راه‌کارهای اقتصاد مقاومتی با استفاده از سخنان رهبر معظم انقلاب، به بررسی اشعار اقبال و یافتن شواهد مثال در این باره پرداخته و ارتباط اندیشه اقبال را با حمایت از کالای ملی تحلیل کردیم. بنابراین روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها، کیفی بوده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

از آن جایی که وجه اندیشگی در شعر اقبال از وجوه دیگر یک اثر هنری پررنگ‌تر است، تا کنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون منظومه فکری این اندیشمند صورت گرفته است. عباس سعیدی‌پور (۱۳۸۹) در مقاله «غرب‌شناسی اقبال لاهوری» به این نتیجه رسیده است که یکی از تأثیرات اندیشه‌های اقبال این است که باب نقد معرفت‌شناختی فلسفه غرب را گشوده است. شیرزاد (۱۳۸۷) در مقاله «مروری بر اندیشه اقبال لاهوری و اتحاد جهان اسلام» به این نتیجه رسیده است که اقبال به شدت به بازگشت به اسلام و احیای اندیشه اسلامی باور داشته است. یزدان منش و بیات (۱۳۸۳) در پژوهش خود با عنوان «زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوری» به واکاوی باورهای اقبال درباره زن پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که بر اساس نظرات این اندیشمند لاهوری همان طور که نبوت به عنوان هدایت و تکامل بشر است، مادر بودن هدایتگر بشر است. بر پایه نتایج مقاله مجدالدین (۱۳۸۴) با عنوان «مسائل عمده کشورهای شرقی در اشعار فارسی اقبال لاهوری»، دو عامل اساسی در عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی وجود دارد: ۱- شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی ۲- کشورهای غربی. ریاض احمددار (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «دین و نظام سیاسی-اجتماعی از منظر محمد اقبال لاهوری و مرتضی مطهری»، نظام سیاسی اسلام را از منظر این دو شخصیت (اقبال لاهوری و شهید مطهری) بررسی کرده است. ولی‌الله عباسی (۱۳۸۷) نیز در مقاله «احیای دینی از دیدگاه شهید مطهری و اقبال لاهوری»، ضمن بررسی احیای دینی از منظر این دو متفکر به این نتیجه دست یافته است که حرکت احیای اقبال مورد توجه شهید مطهری بوده است. «خودی و انسان آرمانی در شعر اقبال لاهوری» عنوان مقاله‌ای از محمد میر (۱۳۸۸) است که نویسنده در آن فلسفه و مراتب خودی و انسان آرمانی را در شعر اقبال بررسی کرده است. «اسلام ناب محمدی در اندیشه



امام خمینی و اقبال لاهوری» عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان در آن به بررسی مفهوم اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تفکیک این دو مفهوم پیش از امام خمینی به نوعی در تفکرات اقبال لاهوری طرح شده‌است (احمدیت، ۱۳۸۹). ابراهیم حسین‌بر (۱۳۸۹) در مقاله «عصر نوین در پرتو اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری» با اقتباس از کتاب شگفتی‌های اندیشه اقبال، اثر سید ابوالحسن ندوی، سعی داشته به شناخت بیشتر و دقیق‌تر شخصیت و اندیشه اقبال لاهوری بپردازد. «مؤلفه‌های پایداری در اشعار فارسی اقبال لاهوری» عنوان مقاله‌ای است که بر اساس آن جهان وطنی اسلامی، ویژگی بارز اندیشه اقبال لاهوری است (امیر خراسانی و احسانی، ۱۳۹۳). کلاهدوزها و عابدیها (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظریه رنسانس اسلامی در تفکرات اقبال لاهوری» نشان داده‌اند که اقبال با تمرکز بر فلسفه «خودی» گرایش شدیدی به رنسانس اسلامی داشته‌است.

۲- اقتصاد مقاومتی، الزامات، مؤلفه‌ها و راه‌کارها

تا کنون تعریف‌های بسیاری از اقتصاد مقاومتی ارائه شده‌است. از جمله این که «اقتصاد مقاومتی معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد» (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۰). رهبر معظم انقلاب، به عنوان مطرح‌کننده اقتصاد مقاومتی، به مناسبت‌های گوناگون، به شرح چستی این شگرد اقتصادی پرداخته‌اند:

اقتصاد مقاومتی یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که تکانه‌های جهانی در آن اثر نگذارد. یک‌روز عزا نگیریم که نفت از ۱۰۰ دلار رسید به ۴۵ دلار؛ یک‌روز عزا نگیریم که آمریکایی‌ها ما را تهدید میکنند که فلان چیز و فلان چیز را تحریم میکنند یا عملاً تحریم بکنند؛ عزا نگیریم که اروپایی‌ها کشتی‌رانی ما را تحریم کردند. اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ‌کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمیتواند به زندگی مردم آسیب وارد کند. اقتصاد مقاومتی یعنی این؛ یعنی در داخل کشور، ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی جوری باشد که از نیروهای مردم استفاده بشود، کمک واقعی گرفته بشود، برنامه‌ریزی بشود، بنای اقتصادی استحکام پیدا کند (دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

از سال ۱۳۸۹ به بعد، نام‌گذاری سال نیز در راستای سیاست‌ها و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی صورت گرفت. برای نمونه، سال ۱۳۹۱ «سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، سال ۱۳۹۵ «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، سال ۱۳۹۶ «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» و سال ۱۳۹۷ «حکایت از کالای ایرانی» نام‌گذاری شد. توجه به شعار سال‌های پس از ۱۳۸۹ و همچنین رهنمودهای رهبری، مؤلفه‌ها، الزامات و راه‌کارهای اقتصاد مقاومتی را به خوبی آشکار می‌سازد. بر این اساس، الزامات، مؤلفه‌ها و راه‌کارهای اقتصاد مقاومتی را می‌توان این گونه برشمرد:

الف) الزامات اقتصاد مقاومتی:



۱- مردمی کردن اقتصاد بر اساس سیاست‌های اصل ۴۴-۲- کاهش وابستگی به نفت ۳- مدیریت مصرف، شامل پرهیز از اسراف و مصرف کالای تولید داخل ۴- استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات ۵- حرکت بر اساس برنامه

ب) ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

۱- ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی ۲- توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا ۳- تکیه بر ظرفیت‌های داخل ۴- رویکرد جهادی ۵- مردم‌محوری ۶- تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی ۷- کاهش وابستگی به درآمد فردش نفت ۸- اصلاح الگوی مصرف ۹- فسادستیزی ۱۰- دانش‌محوری (سیفلو، ۱۳۹۳: ۱۶۱)

ج) راه‌کارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

۱- سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف، رونق تولید داخلی و کاهش واردات ۲- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر برای رقابت با تولیدات خارجی ۳- کاهش بیکاری ۴- فعال‌سازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید ۵- افزایش واردات دانش فنی ۶- تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی ۷- توجه به معضل تورم ۸- تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در روند تأمین کالاها ۹- کاهش اتکا به نفت ۱۰- برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست ۱۱- تلاش برای جلوگیری از اجماع در قبال نظام اسلامی ۱۲- ایجاد شرکت‌های مشترک با برخی از مؤسسات خارجی (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۱-۱۸)

۳- بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در شعر اقبال

محمد اقبال لاهوری در ۲۴ ذی‌الحجّه سال ۱۲۸۹ برابر با ۲۲ فوریه سال ۱۸۷۳ در شهر سیالکوت، یکی از شهرهای پنجاب به دنیا آمد. خانواده او از خانواده‌های متدین هند بودند و به همین دلیل، محمد از کودکی به تحصیل علوم قرآنی و دینی پرداخت. او تحصیلات مقدماتی را در خانه پدری و دبستان سیالکوت و در محضر دوستان فاضل پدرش، مانند شیخ میرحسن شمس‌العلماء به پایان رساند. در دانشگاه لاهور تحصیل کرد و برای ادامه تحصیل، عازم اروپا شد. در دانشگاه کمبریج، رشته فلسفه را هم‌زمان با رشته حقوق دنبال کرد. او از میان فلاسفه غربی به گوته و از میان شاعران و متفکران ایرانی به مولوی علاقه داشت (رادفر، ۱۳۶۹: ۱۲). اشعار فارسی او در شش دفتر گرد آمده است. «مثنوی اسرار رموز» نخستین دفتر شعر اوست که در دو بخش اسرار خودی و رموز بیخودی نام‌گذاری شده است. «زبور عجم» دفتر دیگر اشعار اوست که از سه بخش تشکیل شده است. بخش نخست، شامل غزل‌ها، قطعات و مستزاده‌هاست. بخش دوم آن، مثنوی «گلشن راز جدید» و قسمت سوم، «بندگی‌نامه» نام دارد. سومین دفتر شعر او منظومه «پیام مشرق» است. این منظومه، مقدمه‌ای به نام «پیش‌کش» و دوبیتی‌هایی با نام «لاله طور» دارد. بخش دیگر این دفتر شعر، «افکار» است که حاوی اشعاری در قالب‌های



گونگون است. قسمت سوم این کتاب، غزلیاتی است که شاعر نام آنها را «می باقی» گذاشته است. بخش پایانی این دفتر شعر نیز «نقش فرنگ» نام دارد. دفتر شعر دیگر اقبال که حاکی از توجه ویژه او به مولوی دارد، «جاویدنامه» است. مثنوی‌های «مسافر» (شرح سفر به افغانستان) و «پس چه باید کرد ای اقوام شرق» (مباحث علمی، اخلاقی، دینی) دو اثر دیگر اقبال لاهوری است. آخرین اثر اقبال، «ارمغان حجاز»، پس از مرگش به چاپ رسید که دوبیتی‌هایی به شیوه باباطاهر را در بر گرفته است.

با مروری بر افکار و اندیشه‌های محمد اقبال لاهوری درمی‌یابیم که تمام اندیشه‌ها، سخنان و اشعار او رنگ و بوی سیاسی دارد. در واقع، تفکر و ادب او، تفکر و ادب سیاست بوده است (رادفر، ۱۳۸۹: ۱۱۸). به همین دلیل می‌توان گفت که نخستین کسی که در دوران جدید، ضرورت تأسیس دولتی مسلمان و پشتیبان مصالح مسلمین و فرهنگ اسلامی را گوش‌زد کرد، شاعر و فیلسوف بزرگ مسلمان، محمد اقبال بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱). بنابراین، دور از ذهن نیست که شخصیتی این چنین، رهنمودهایی پیرامون شرایط اقتصادی یک ملت داشته باشد. البته نباید در اشعار اقبال به دنبال یک نظام اقتصادی مدون باشیم. آن چه در این مجال و مقال مهم است، یافتن موضع اقبال لاهوری در برابر تهاجم‌های بیرونی است. این تهاجم‌ها گاه در عرصه فرهنگ، گاه در عرصه علم و گاه در عرصه اقتصاد رخ می‌نماید.

تلقی اقبال لاهوری از وطن و ملت، گویای نگاه دوراندیشانه او به آینده مسلمانان است. او در این مسیر، به شدت با قومیت‌گرایی و نژادپرستی مخالفت کرده است. پیش از او سید جمال‌الدین اسدآبادی، اصل این اندیشه را به عنوان یک متفکر و مصلح اجتماعی، مطرح کرده بود و موجی از تأثیرات عقاید اوست که محمد اقبال و دیگران را به این وادی کشانید و اقبال بهترین توجیه‌کننده و شارح این اندیشه می‌تواند باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۲۴) او همه آدمیان را برادر می‌داند و بر این باور است که دست استعمار، تقسیم‌بندی‌های نژادی و قبیله‌ای را به انسان‌ها تحمیل کرده است. از آن جایی که او همه انسان‌ها را برادر می‌داند، از جدایی انسان‌ها در قالب مرزهای سیاسی، توسط استعمار، به قطع اخوت (بریدن برادری) تعبیر می‌کند:

آن چنان قطع اخوت کرده اند	بر وطن تعمیر ملت کرده اند
تا وطن را شمع محفل ساختند	نوع انسان را قبایل ساختند
مردمی اندر جهان افسانه شد	آدمی از آدمی بیگانه شد
روح از تن رفت و هفت اندام ماند	آدمیت گم شد و اقوام ماند

(اقبال، ۱۳۸۹: ۹۵)

۳-۱- اتحاد و همدلی

اقبال نخستین عامل مشکلات ملت مسلمان را فاصله گرفتن از معنای اصلی وطن می‌داند. او بر این باور است که مسلمانان باید با تکیه بر نقاط اشتراکی مانند پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم و قبله مشترک هر چه بیشتر در قالب یک امت واحد، به انسجام برسند:



او همچنین معتقد است که مظاهری چون رقص، موسیقی، بی‌دینی و خط و زبان انگلیسی تنها نشانه‌های فرهنگ غربی هستند و پیروی محض از این نشانه‌ها باعث پیشرفت ما نمی‌شود؛ چرا که عامل پیشرفت غرب، دانش‌محوری و تکنولوژی است. بنابراین برای بهره‌برداری از علم و تکنولوژی غرب، باید پوستین آن (مظاهر فرهنگ غربی) را شکست و به هسته آن، یعنی دانش و تکنولوژی، دست یافت:

شرق را از خود برد تقلید غرب	باید این اقوام را تنقید غرب
قوت مغرب نه از چنگ و رباب	نی ز رقص دختران بی حجابی ز
نی ز سحر ساحران لاله روست	عریان ساق و نی از قطع پوست
محکمی او را نه از لادینی است	نی فروغش از خط لاتینی استاز همین
قوت افرنگ از علم و فن است	آتش چراغش روشن است
علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ	مغز میباید نه ملبوس فرنگ
اندرین ره جز نگه مطلوب نیست	این کله یا آن کله مطلوب نیست

(اقبال لاهوری، ۳۹۹-۳۹۸)

۳-۳- خودباوری

عامل اصلی شکست ملت در اندیشه اقبال لاهوری، فاصله گرفتن از خودباوری است. امت‌هایی که از خود فاصله گرفته و به دیگران تکیه کرده‌اند مثل کسی است که در حرم زاده شده و مُرید کلیسا است و چون صیادی است که با یک سگ کور به شکار آهو رفته‌است:

در حرم زاد و کلیسا را مُرید	پرده ناموس ما را بردرید
دامن او را گرفتن ابلهی است	سینه او از دل روشن تهی است
اندرین ره تکیه بر خود کن که مرد	صید آهو با سگ کوری نکرد
آه از قومی که چشم از خویش بست	دل به غیر الله داد از خود گسست

(همان، ۴۳۴-۴۳۳)

مخلص کلام آن که اقبال لاهوری مشکلات ملت اسلامی را در سه عامل می‌داند: ۱- عدم خودباوری ۲- وابستگی به دیگران ۳- دسیسه‌های غرب. او بر این باور است که استعمار و غرب چونان گرگی در پوستین بره، همواره به دنبال آن است که مشکلات جدیدی بیافریند:

آدمیت زار نالید از فرنگ	زندگی هنگامه برچید از فرنگ
پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟	باز روشن می‌شود ایام‌شرق
در ضمیرش انقلاب آمد پدید	شب گذشت آفتاب آمد پدید
یورپ از شمشیر خود بسمل فتاد	زیر گردون رسم لادینی نهاد
گرگی اندر پوستین بره‌ای	هر زمان اندر کمین بره‌ای



مشکلات حضرت انسان از اوست

آدمیت را غم پنهان از اوست

(همان، ۴۳۶)

اقبال راه درمان و پیروزی بر این سه عامل را در درجه نخست در اتحاد و یکدلی می‌داند. ملتی که می‌خواهد از مکر و فسون دشمنان در امان باشد، باید با خودباوری، امید از غیر خود برکند و با اتحاد به قوت و نیرو برسد. به بیان دیگر، نخستین راز مقاومت، خودباوری و اتحاد است:

آه از افرنگ و از آیین او	آه از اندیشه لادین او
علم حق را ساحری آموختند	ساحری نی، کافری آموختند
هر طرف صد فتنه می‌آرد نفیر	تیغ را از پنجه رهن بگير
ای که جان را باز می‌دانی ز تن	سحر این تهذیب لادینی شکن
روح شرق اندر تنش باید دمید	تا بگردد قفل معنی را کلید

...

نقش نو اندر جهان باید نهاد	از مفن دزدان چه امید گشاد
----------------------------	---------------------------

...

این کهن اقوام را شیرازه بند	رایت صدق و صفا را کن بلند
اهل حق را زندگی از قوت است	قوت هر ملت از جمعیت است

(اقبال لاهوری، ۴۳۸-۴۳۷)

۳-۴- تکیه بر توان داخلی

اقبال معتقد است که گام دوم در مقاوم سازی تکیه بر توان خود است. در عصر حاضر، قدرت در اقتصاد و سوداگری است. به باور او غرب هیچ گاه در معامله و سوداگری به دنبال خیر امت‌ها نیست. بنابراین راهی جز این نیست که بر توان خود تکیه کنیم. تا جایی که کرباس خود را (کالای کم کیفیت) بر حریر او (کالای باکیفیت) ترجیح دهیم. باید خود را از کارگاه و کالای او بی‌نیاز بپنداریم و حتی اگر در شرایط سخت باشیم (زمستان)، به دنبال راه گشایش (پوستین) از دیگری نباشیم:

دانی از افرنگ و از کار فرنگ	تا کجا در قید زنار فرنگ
زخم از او نشتر از او سوزن از او	ما و جوی خون و امید رفو
خود بدانی پادشاهی قاهری است	قاهری در عصر ما سوداگری است
تخته دگان شریک تخت و عاج	از تجارت نفع و از شاهی خراج
آن جهانبانی که هم سوداگر است	بر زبانش خیر و اندر دل شر است

(همان، ۴۳۸)



عرصهٔ اقتصاد رزمگاهی است که غرب در آن بدون جنگ و ضرب، دیگر ملت‌ها را می‌کشد. در چنین شرایطی، مرگ ملت‌ها به دست قدرت تکنولوژی و اقتصاد اوست. پس بهتر است در چنین آوردگاهی، بوریای خود را به قالین او ندهیم. از این که بگذریم، بسیاری از کالاهای به ظاهر مرغوب او، آلوده به غش است. پس حتی اگر به سختی افتادیم نباید راه چاره را از خارج از مرزها بیابیم. انسان هوشمند کسی است که از خُم غرب، می‌ننوشد:

گر تو می‌دانی حسابش را درست
بی‌نیاز از کارگاه او گذر
کشتن بی‌حرب و ضرب آیین اوست
بوریای خود به قالینش مده‌گوهرش
تفدار و در لعلش رگ است
رهزن چشم تو خواب مخملش
صد گره افکنده‌ای در کار خویش
هوشمندی از خُم او می‌نخورد

از حریرش نرم‌تر کرباس توست
در زمستان پوستین او مخر
مرگ‌ها در گردش ماشین اوست
بیدق خود را به فرزینش مده
مشک این سوداگر از ناف سگ است
رهزن تو رنگ و آب مخملش
از قماش او مکن دستار خویش
هر که خورد اندر همین میخانه مُرد

(همان، ۴۳۹)

مثل معاملهٔ اقتصادی غرب با ما مثل آن فروشندهٔ شکر و کودکان است. او در سوداگری لبخند به لب دارد تا ما را فریب دهد و ما در این معامله کودکانی هستیم که متضرر خواهیم شد. جالب این است که ما از خام‌فروشی متضرر می‌شویم. در بسیاری از موارد، کشورهای غربی مواد خام را از ما خریداری می‌کنند و با تبدیل به یک کالای مرغوب، با قیمتی گزاف به ما می‌فروشند. در این حالت ما مانند دریایی هستیم که مرواریدهای خود را از غواص‌ها می‌خریم:

وقت سودا خند خند و کم‌خروش
محرّم از قلب و نگاه مشتری است
تاجران رنگ و بو بردند سود
آنچه از خاک تو رُست ای مردخُر
آن نکوبینان که خود را دیده‌اند
ای ز کار عصر حاضر بی‌خبر
قالی از ابریشم تو ساختند
چشم تو از ظاهرش افسون خورد

ما چو طفلانیم و او شکر فروش
یارب این سحر است یاسوداگری است
ما خربداران همه کور و کبود
آن فروش و آن بپوش و آن بخور
خود گلیم خویش را بافیده‌اند
چرب‌دستی‌های یورپ را نگر
باز او را پیش تو انداختند
رنگ و آب او تو را لز جا برد



وای آن دریا که موجش کم نپید

گوهر خود را ز غواصان خرید

(اقبال لاهوری، ۴۳۹)

۴- نتیجه‌گیری:

اقبال لاهوری مشکلات ملت‌های مسلمان را ناشی از سه عامل دانسته‌است: ۱- عدم خودباوری ۲- وابستگی به غرب ۳- دسیسه‌های غرب. او برای مبارزه با این سه عامل، نخستین راه را رسیدن ملت به خودی می‌داند. به باور محمد اقبال، ملت‌ها باید به این باور برسند که می‌توانند. این سخن به رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در راستای شعار «ما می‌توانیم» نزدیک است. عدم خودباوری ملت‌ها باعث وابستگی آنها به غرب شده‌است. ملت‌های مسلمان که عامل پیشرفت غرب را مظاهر فرهنگی آنها می‌دانند، علاوه بر وابستگی اقتصادی به خودباختگی فرهنگی دچار می‌شوند. در واقع، اقبال ریشه اصلی مشکلات اقتصادی را در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پیگیری کرده‌است. او هشدار می‌دهد که پیشرفت غرب در علم و تکنولوژی معلول ظواهر نیست و ما برای بهره‌برداری از علم و دانش غرب نباید فرهنگ خود را ببازیم و باید از پوستین (مظاهر فرهنگ غرب) عبور کنیم و به هسته (علم و دانش غرب) برسیم. این مسأله می‌تواند به برون‌نگر بودن اقتصاد مقاومتی اشاره داشته‌باشد. نکته دیگری که اقبال بر آن تأکید می‌کند، رسیدن به مفهوم امت واحد اسلامی است. او تأکید می‌کند که غرب بر اساس منافع خود، امت اسلامی را مرزبندی و با در نظر گرفتن نژادها میان مسلمانان فاصله ایجاد کرده‌است. این اشاره اقبال می‌تواند درباره کشور ایران صادق باشد. حفظ وحدت می‌تواند در نبرد اقتصادی، قدرت کشور را دوچندان کند. راه حل اساسی دیگری که اقبال ارائه می‌دهد ناظر به درون‌زا بودن اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و حمایت از کالای داخلی است. او معتقد است که عرصه اقتصاد، جنگی است که از سوی دشمنان تحمیل شده‌است. در این حال، ملت‌ها باید چشم امید خود را برای رفع نیازها به داخل کشور باز کنند. چرا که غرب هیچ‌گاه به فکر منافع ما نبوده و نیست. بنابراین، حتی اگر به سختی و زحمت افتادیم، باید کالای کم‌کیفیت خود را بر کالای باکیفیت دیگری ترجیح دهیم. راه حل دیگری که اقبال ارائه می‌دهد، مبارزه با خام‌فروشی است. به اعتقاد این اندیشمند لاهوری، یکی از اشکالات عمده ما فروش مواد خام به کشورهای غربی و خرید کالاهایی است که از این مواد تهیه می‌شوند.



منابع

- احمدبیت، بشیر (۱۳۸۹). *اسلام ناب محمدی در اندیشه امام خمینی و اقبال لاهوری*. طلوع، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۹۷-۱۳۶.
- احمددار، ریاض (۱۳۸۶). *دین و نظام سیاسی-اجتماعی از منظر محمد اقبال لاهوری و استاد مرتضی مطهری*. طلوع، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۹۲-۶۲.
- اقبال، محمد (۱۳۸۹). *کلیات*. چاپ سوم، تهران: نشر الهام.
- امیری خراسانی و احسانی (۲۳۹۳). *مؤلفه‌های پایداری در اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری*. نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۱-۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۶/۲
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جلسه تبیین سیاست‌ها اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹
- پرچمی، داود و جلالی، فاطمه (۱۳۹۸). *بررسی تطبیقی کسب‌وکارهای خانگی در راستای تحقق سیاست‌های کلی اشتغال*، فصلنامه سیاست‌های راهبری و کلان، دوره ۷، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۶۴-۱۸۵.
- حسین‌بر، ابراهیم (۱۳۸۹). *عصر نوین در پرتو اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری*. *مطالعات اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۴۳-۴۲، صص ۴۳-۴۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). *اقبال لاهوری، متفکر و مصلح انقلابی*. تهران: نشر صهبا
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۹). *گزیده اشعار فارسی اقبال لاهوری*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- رادفر، ابوالقاسم (۱۸۹). *جایگاه اقبال لاهوری در حوزه ادبیات تطبیقی و تأثر او از شاعران فارسی زبان تا عصر حافظ*. "ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان) ۱.۳ (۱۳۸۹): ۱۱۷-۱۳۳.
- سعیدی‌پور، عباس (۱۳۸۹). *غرب‌شناسی محمد اقبال لاهوری*. *مجله بازتاب اندیشه*، شماره ۲۸، صص ۹۳-۱۰۳.
- سیفلو، سجاد (۱۳۹۳). *مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی*. *معرفت اسلامی*، سال پنجم، شمارال دوم، پیاپی ۱۰، صص ۱۷۳-۱۵۱.



شیرزاد، امیر (۱۳۸۷). *مروری بر اندیشه اقبال لاهوری و اتحاد جهان اسلام*. اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هفتم، صص ۳۳-۵۴.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). *تلقی قدما از وطن*. کتاب الفبا، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۱-۲۷.
عباسی، ولی الله (۱۳۸۷). *احیای دینی از دیدگاه استاد شهید مطهری و اقبال لاهوری*. طلوع، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۵-۳۲.

فشاری، مجید و پورغفار (۱۳۹۳). *بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران*. مجله اقتصادی، شماره‌های ۵ و ۶، صص ۲۹-۴۰.

کلاهدوزها، پرستو و عابدیه (۱۳۹۴). *بررسی نظریه رنسانس اسلامی در تفکرات اقبال لاهوری، جستارهای تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال ششم، شماره دوم، صص ۸۸-۶۹.

مجدالدین، اکبر (۱۳۸۳). *مسائل عمده کشورهای شرقی در اشعار فارسی اقبال لاهوری*، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۶-۳۵، صص ۲۱۱-۲۳۰.

میر، محمد (۱۳۸۸). *خودی و انسان آرمانی در شعر اقبال لاهوری*. فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، شماره اول، صص ۱۵۹-۱۸۰.

میلانی، جمیل (۱۳۹۴). *اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن*، مجله اقتصادی، شماره‌های ۷ و ۸، صص ۵-۲۲.

یزدان‌منش، وفا و بیات (۱۳۸۳). *زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوری*. پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۲۲، صص ۱۰۲-۸۳.



Exploring the Solutions of Resistance Economics in Iqbal Lahuri Poetry

*Hamed safi*¹

*Mohammad chakoshian*²

Abstract

The resistance economy is a term that the Supreme Leader of the Islamic Revolution first introduced in September 2010 to counter the economic sanctions of enemies. According to his words, the resistance economy means that the economic conditions of the country are adjusted in such a way that they will be less vulnerable to economic impacts. Resistance Economics has different characteristics and requirements. In this research, it has been tried to analyze these features and strategies in the poetry of Iqbal lahori. According to this study, Iqbal Poliris has been instrumental in creating three countries' economic problems: 1-Non-self-confidence 2-Dependence on the West 3-Western conspiracies. He proposes solutions to solve these problems and to win the factors. Including attempts to reach the Islamic Ummah, achieve self-confidence, reduce dependence on the West by relying on domestic power and fighting crude sales. Iqbal's views on the subject are endogenous and an extension of the strength of the economy, the pattern of consumption patterns and the protection of domestic Malay.

Key Words: Resistance Economics, Iqbal Lahouri, Poetry, National Product

¹ . Assistant Professor Khorramshahr University of Marine Sciences and Technology.Khorramshahr Iran.((Corresponding author))/Email : Email : hamed19s2003@yahoo.com

² .Graduated from ph.D of management , Lorestan university.Khorramabad ,Iran.//Email : moch2357@gmail.com